

درس‌هایی از مدیر نمونه
(شهید رجایی)

محمد عابدی میانجی

عابدی، محمد. ۱۳۵۲-.

درسهای از مدیر نمونه (شهید رجایی) / محمد عابدی میانجی. —
تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر. شرکت چاپ و نشر بین الملل،
۱۳۸۴.

ص ۱۶۸.

ISBN 964 - 304 - 198 - 0

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۱۶۵-۱۶۶]؛ همچنین به صورت زیرنویس

۱. رجایی، محمدعلی، ۱۳۱۳-۱۳۶۰ - سرگذشتنامه ۲. رؤسای
جمهور- ایران- سرگذشتنامه. الف. موسسه انتشارات امیرکبیر.
شرکت چاپ و نشر بین الملل. ب. عنوان.

۹۵۵/۰۸۴۲۰۹۲

DSR ۱۶۷۶/ع ۴ د ۴

۸۴-۹۸۴۹

کتابخانه ملی ایران



درسهای از مدیر نمونه

شهید رجایی

تألیف

محمد عابدی میانجی

ویراستار

اشرف آشوری

با همکاری پژوهشکده علمی کاربردی باقرالعلوم (ع)

ناشر

شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر

نوبت چاپ اول - بهار ۱۳۸۴

چاپ و صفاتی چاپخانه سپهر

شمارگان ۲۰۰۰ نسخه

قیمت ۱۲۰۰۰ ریال

ISBN 964 - 304 - 198 - 0

شابک ۹۶۴-۳۰۴-۱۹۸-۰

حق چاپ محفوظ است

E. Mail: intlpub @ amir- Kabir. Com

WWW. Intlpub. Com

فهرست

۷	به جای مقدمه
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۷	فصل اول: تندیس خدمت
۳۳	فصل دوم: فرصت خدمت
۶۹	فصل سوم: شیوه خدمت رسانی
۱۲۷	فصل چهارم: خدمت در نگاه شهید رجایی
۱۶۵	فهرست منابع

□ به جای مقدمه

تهران، شمال شهر ساعت ۹ صبح

راننده، ماشین بنز را روشن کرد، یکی از خدمتکاران در ماشین را برای پرویز باز کرد، ماشین باید مسیر خانه تا مدرسه را طی می کرد، در این مسیر غباری بر کفش و کیف پرویز نمی نشست و شیشه های دودی مانع از دیدن لباس های مدرس مردم می شد، او می دانست خاویار چه مزه ای دارد و به مقتضای فصل آخر هر هفته در پیست اسکی آبعلی یا دربند روز تعطیلش را می گذارند، تعطیلات آخر ماه هم یا به کیش می رفت یا رامسر و... سفر به یکی از کشورهای اروپایی و آمریکایی هم در برنامه زندگیش قرار داشت، تکیه زدن بر مسند وکالت، وزارت و یا سفارت یکی از کشورها برای او یک رؤیا نبود.

تهران، جنوب شهر ساعت ۷ صبح

امروز هم مانند روزهای دیگر کفش های محمد علی او را از مسیر خانه تا مدرسه آزار می دهند، پدرش در اثر جراحات و کتک های عوامل ساواک پس از یک دوره نقاهت و بیماری جان خود را از دست داده بود، پس از امتحان دیروز، فروش استکان و نعلبکی تا شب در کوچه های شهر، او را به شدت

خسته کرده بود، نان و چای شیرینش را خورد و به سوی مدرسه حرکت کرد، کار و کار و کار، برای او یک برنامهٔ همیشگی زندگی بود و تکیه زدن بر مسند وکالت، وزارت و حتی مدیریت یک شرکت و اداره یک رؤیا....

تهران، شب، جنوب شهر

محمد علی خسته از امتحان صبح و فروش کاسه بشقاب و نعلبکی بر روی دفتر و کتابها خوابش برد.

در عالم خواب کسی به او نزدیک شد، با صدایی مهربان در گوشش زمزمه کرد... محمد علی... محمد علی، تکیه زدن بر کرسی وکالت یا وزارت و حتی ریاست جمهوری برای تو یک رؤیا نیست!

محمد علی: مگر می‌توان در چنین روزی با پایبندی به مکتب و وفاداری به مردم بر چنین مسندهایی تکیه زد؟

صدا: نه ... نه، اما به نام خدا، در رکاب روح خدا، هم‌صدا با خداخواهی مردم روزی تو رئیس جمهور می‌شوی.

محمد علی: اگر بر آن مسند تکیه زدم، همون محمد علی هستم یا نه؟
یعنی می‌تونم باز مثل اقا معلم لباس بپوشم و مردم فقیر در کنار من احساس خجالت نکنند؟

یعنی می‌تونم تو همین خونه باشم و اگر همسایه‌ام نقشش تموم شد از خونه من قرض بگیره؟

یعنی می‌تونم جلوتر از محافظانم تو دل خطر برم و بگم من با شما فرقی ندارم؛ اگه طوری شدم یکی دیگه از شما جای منو می‌گیره ... ؟

به من بگو: عوض که نمی‌شم؛ با همان انصاف و عدالتی که استکان و

نعلبکی به مشتری می فروختم، ثروت و درآمدهای این کشور را تقسیم می کنم! دست پیرمردا و پیرزنا را بگیرم و یه پول تو جیبی براشون در نظر بگیرم که چشمشون به دست پسر و داماد و عروستان نباشه، و آخر عمری عزیزانه زندگی کنند!

به من بگو: که عوض نمی شم و این رؤیای من هم تعبیر می شه که یه رئیس جمهور پیدا می شه نه کیش می ره نه رامسر، نه اروپا و نه آمریکا، همه اش کار و کار و کار، خدمت و خدمت و خدمت و خوابش می بره رو میز کارش...

با صدای تکبیرة الاحرام نماز مادرش، محمد علی که روی دفتر و کتابهایش خواب رفته بود، بیدار شد. بلند شد وضو گرفت، نماز خواند، دفتر و کتابهایش را برداشت، کفش هایی که به پایش تنگ شده بود پوشید و وارد کوچه شد.

توی کوچه به دوستش محمد جواد رسید، توی راه مدرسه به محمد جواد گفت: راستی اگر رئیس جمهور بشم تو هم نخست وزیر من میشی؟

محمد جواد گفت: چرا که نه، بزار رؤیای دیشب من هم تعبیر بشه، ولی محمد علی، یه شرط داره، و آن اینکه تا آخرش من همون محمد جواد و تو همون محمد علی باشی

آن روز ۱۵ خرداد هزار و ... بود و محمد علی و محمد جواد سخت ترین امتحان سال را در پیش رو داشتند.

پژوهشکده باقرالعلوم (ع)

□ مقدمه مؤلف

۱ - درنگی در مفهوم خدمت

اگر عبادت بزرگترین فلسفه آفرینش است که: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۱)؛ جن و انسان را خلق نکردم، مگر به خاطر اینکه عبادتم کنند، برگزیدگان الهی، عابدترین بندگانی خدا خواهند بود. و اگر از والاترین مظاهر عبادت، «خدمت به خلق» است که پیامبر خدا ﷺ فرموده است:

«مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ تِسْعَةَ أَلْفِ سَنَةٍ صَائِماً نَهَارَهُ قَائِماً لَيْلَهُ»^(۲)؛ هر که در برآوردن نیاز برادر مؤمنش تلاش کند، گویا نه هزار سال خداوند را عبادت کرده، در حالی که روزها را روزه‌دار و شبها را شب زنده‌دار بوده است.

برگزیدگان الهی، انبیا و معصومان، خدمتگزارترین افراد به مردم خواهند بود؛ زیرا آنان اسوه شاخص‌اند و درخت کمال در وجودشان به بالنده‌ترین شکل سر به فلک کشیده است.

ایه الهی خطاب به پیامبر اکرم ﷺ را به یاد آوریم که می‌فرماید:

۱. الذاریات/۵۶.

۲. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۵.

﴿وَحَفِظُ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱)؛ پر و بال خود را برای مؤمنانی که پیرو تو هستند، بگستران.

واژه «حفِظُ جناح» که سه بار در قرآن کریم به کار رفته است، کنایه از کمال مهرورزی، عطوفت و خدمتگزاری خالصانه و متواضعانه است.

خدمتگزار واقعی، انبیاء، اوصیا و مؤمنان به آنان هستند؛ چه بی‌پرده و صریح می‌توان این عذّه را در حدیث آسمانی امام صادق علیه السلام یافت که فرمود:

«مَا أَمَنَ بِاللَّهِ وَلَا بِمُحَمَّدٍ وَلَا بِعَلِيِّ مَنْ إِذَا أَنَا أَوْهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ لَمْ يَضْحَكْ فِي وَجْهِهِ فَإِذَا كَانَ بِخِلَافِ مَا وَصَفْتُهُ فَلَا وَ لَآئِيَّةَ بَيْنُنَا وَ بَيْنَهُ»^(۲)؛ به خدا و محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام ایمان نیاورده است کسی که هنگامی که برادر دینی‌اش به خاطر حاجتی نزد او آید، با خوشرویی با او برخورد نکند؛ اگر توان دارد، نیاز او را به سرعت برطرف کند و اگر توان ندارد با کمک دیگری حل کند. اگر بر خلاف آنچه توصیف کردم باشد، پس بین ما و او ولایتی نخواهد بود.

بر این اساس، کسانی نزد خدا دوست داشتنی‌تراند که نسبت به دیگران گامی به این هدف نزدیک‌تر باشند. این سخن قدسی را به یادآوریم که:

«الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحْبِبُّهُمْ إِلَى الطَّفْهِمْ بِهِمْ وَ أَشْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ»^(۳)؛ مردم خانواده من هستند، محبوب‌ترین آنها نزد من، مهربان‌ترین و کوشاترین آنها در رفع نیازهای مردم است.

۲ - خدمتگزاری فلسفه حکومت

۱- شمار ۲۱۵/۱؛ امام علی علیه السلام هم می‌فرمود: «وَحَفِظُ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ أَلِنْ جَانِبَكَ وَ آسِ بَيْنَهُمْ...» (نهج البلاغه، نامه ۴۶).

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۷۶.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۹۹.

آزادی از قید و بندهای دنیایی، هدیه‌ای الهی است.^(۱) مردم «حکومت» و سلطه دیگران را بر خود می‌پذیرند تا حاکمان بتوانند در تعاملات انسانی، نظم و عدالت را در جامعه جاری سازند و با برجیدن دامن فزون‌خواهان و بازستاندن حقوق مظلومان بستر لازم را برای زندگی همراه با کرامت انسانی فراهم سازند.^(۲) به بیانی دیگر؛ مردم به آن امید نظامهای حکومتی - که محدود کننده آزادی آنهاست - را می‌پذیرند که «حاکمان»، «خادمان ملت» در مسیر بازگرداندن حقوق آنان باشند.^(۳)

این فلسفه، آموزه‌ای علوی است. سخن علی(ع) را به یاد آوریم که؛ «خدایا، تو می‌دانی آنچه از ما صادر شد (اقدام برای حکومت) به خاطر رغبت در حکومت یا به دست آوردن مال دنیا نیست، بلکه برای این است که نشانه‌های دین تو را بازگردانیم و اصلاح را در شهرهایت آشکار سازیم تا بندگان ستم‌دیده‌ها امنیت یابند و مقررات فراموش شده‌ها اجرا شوند.»^(۴)

با چنین دیدگاهی است که حضرت در حال وصله زدن به کفش خود، می‌فرماید: به خدا قسم! این کفش بی‌ارزش برای من دوست داشتنی‌تر از حکومت بر شماست، مگر اینکه حق را به پا دارم یا باطلی را بردارم.^(۵)

۱- قال علی(ع): لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۲۷)

۲- قال علی(ع): لابد للناس من اماره يعمل فيها المؤمن و يستمتع فيها الفاجر و الکافر و يبلغ الله فيها الاجل. (کنز الفوائد، خ ۳۱۵۶۷)

۳- اگر به من خدمتگزار بگویید بهتر از این است که رهبر... صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۴۵۶.

۴- اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ اِنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا اِلْتِمَاسَ شَيْءٍ مِن قُضُلِ الْخَطَاةِ وَلَكِنْ لِتَرَةِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ تَطَهَّرِ الْاِصْلَاحِ فِي بِلَادِكِ قِيَامَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ ثِقَامَ الْمُعْطَلَّةِ مِنْ حُدُودِكَ. (نهج البلاغه، ص ۱۸۸؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد، ج ۸، ص ۳۶۳)

۵- بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۸.

از سوی دیگر خدمت به مردم، خدمتگزاران را در موقعیتی برتر قرار می‌دهد به گونه‌ای که جایگاه اجتماعی بالاتری می‌یابند و نسبت به توده ملت، به تناسب خدمت و جایگاه ناشی از آن، از امتیازات ویژه‌ای برخوردار می‌شوند که عمده آنها «دسترسی به ثروت عمومی و قدرت برتر» است.

مهم این است که حاکمان و کارگزاران از امکانات و قدرت امانی که در اختیار دارند، در مسیر خدمت به مردم سود برند و از آسیبهای قدرت و ثروت در امان بمانند.

۳ - دولت خدمتگزار از نگاه امام خمینی (ره):

امام خمینی (ره) ارزش حکومت را به خدمت به خلق می‌داندست و معتقد بود «شرافت همه ما به این است که خدمت به خلق کنیم»^(۱) بر این اساس، فرازهایی از توصیه‌های امام خمینی (ره) را به دولت شهید رجایی زینت بخش مقدمه می‌کنیم.

۱ - قدرت در خدمت ملت:

طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند، بیشتر توجه‌شان به آنها باشد. در طول تاریخ... پیدا نمی‌کنید یک حکومتی که برای مستضعفان باشد... هر چه بود برای ملک دارها بود...^(۲)

۲ - حکومت برای خدمت:

شما خودتان را حاکم مردم ندانید؛ شما خودتان را خدمتگزار مردم بدانید. حکومت هم همان خدمتگزار است.^(۳)

۱- کلمات قصار، امام خمینی، ص ۱۳۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۷۲ - ۷۳.

۳- همان، ص ۷۶ - ۷۷.

۳ - ارزش خدمت:

شما دیروز نخست‌وزیر بودید و پریروز وزیر بودید و قبل از او معلم بودید و قبل از او هم یک شاگردی بودید و بعد از این هم معلوم نیست کی از اینجا بروید. ممکن است خدای نخواستہ همین حالا که بیرون رفتید، یا همین حالا یک بمبی باز اینجا منفجر بشود و فاتحه همه را بخوانند... بنابراین، بگذارید دیروز شما و امروزتان با هم فرقی نداشته باشد و هر دو برای خدمت به این مردم (باشد).^(۱)

۴ - ارزش حاکمان:

ارزش آقای رجایی... به این نبود که مثلاً یک دستگاهی دارد، ارزششان به این بود که خودی بودند؛ با مردم بودند؛ برای مردم خدمت کردند.^(۲)

۴ - خدمت در نگاه مقام معظم رهبری:

مقام معظم رهبری نیز ضمن تأکید بر این کارکرد، رقابت مشروع برای حکومت را رقابتی می‌داند که در راستای همین فلسفه - حکومت برای خدمت - باشد:

«قوای سه‌گانه و همه دستگاهها باید در سال جدید با آغاز کردن نهضت خدمت به مردم و پیگیری جدی مبارزه با بیکاری و فساد مالی کارآمدی نظام را به طور ملموس و عینی به مردم نشان دهند. در این نهضت باید کارهای عمیق و ماندگار و زود بازده که

۱- همان، ج ۱۵، ص ۷۹، ۸۰ مراسم تنفيذ ریاست جمهوری.

۲- همان، ج ۱۶، ص ۲۶۷.

آثار آن بیشتر مورد توجه قشرهای مستضعف و محروم می‌شود، مورد توجه کامل قرار گیرد. آن رقابتی که در میان مردم مقبولیت و مشروعیت دارد، رقابت در خدمت به مردم است و رقابت‌های سیاسی همراه با جنجال و دعوا و برای کسب قدرت پذیرفتنی نیست و ارزشی ندارد. کارهای انجام شده در این زمینه تحسین برانگیز، اما ناکافی است و مبارزه با بیکاری و فساد با تمام قدرت باید ادامه یابد.»^(۱)

در تنظیم این خاطرات که شامل خدمات و بایدها و نبایدهای خدمت‌رسانی در سیره و سخن شهید رجایی است، از منابع مختلفی به‌ویژه کتاب «سیره شهید رجایی» نوشته آقای غلامعلی رجایی استفاده شده و جهت یک‌دست شدن مطالب، تصرفاتی ویرایشی به عمل آمده است. همچنین برای جذابیت بیشتر، کتاب به صورت نقل خاطرات تنظیم گردیده و احادیث متناسب با هر خاطره (بیش از ۸۰ روایت) و جملاتی از حضرت امام خمینی علیه السلام در ذیل آن آورده شده که نشان می‌دهد رجایی در مسیر خدمتگزاری پیرو اهل بیت علیهم السلام بوده است.

در خاتمه از تمام بزرگوارانی که به اینجانب یاری رساندند، به‌ویژه همسر محترم، خانم اشرف آشوری که زحمت ویرایش و تصحیح این اثر را پذیرفتند، سپاسگزارم.

محمد عابدی - خرداد ۱۳۸۴